

رویکرد کنشگری روشنفکر در «چشم‌هایش» و «دل کور» بر اساس نظریه کنش متقابل نمادین

مرتضی هادیان*

تاریخ دریافت: ۹۹/۱/۵

منصوره ثابت زاده**

تاریخ پذیرش: ۹۹/۴/۲۵

حسین ابوالحسن تنهایی***

چکیده

هنجارها در موضع قدرت و خواهان پیروزی هستند و با ایجاد سلطه بر فکر، آدمی را به فرمانبرداری وا می‌دارند. روشنفکر بر خود می‌داند که در مقابل هنجارهای کج بایستد و برای تحقق شرایط مطلوب فکری بکوشد. در روش‌شناسی «کنش متقابل نمادین» هربرت بلومر آگاهی انسان به خویشتن خویش در دنیای تجربی جامعه به وجود می‌آید. در این رویکرد جامعه‌شناختی روشنفکر کنشگری است که کنش او بر اساس تفسیر در موقعیت‌های اجتماعی - سیاسی روی می‌دهد و نقش او در دفاع یا نپذیرفتن هنجارها، جهت‌گیری می‌شود. رمان «چشم‌هایش» تصویری را از تاریخ پهلوی اول نشان می‌دهد که در آن «خود جمعی»، آمیزه‌ای از خودی سنت‌گرا و متجدد است. منافع جمعی بر منافع فردی ترجیح دارد. روشنفکر فردی متجدد است و با مبارزه در برابر نظام اقتدارگرای سیاسی به کنشگری می‌پردازد. رمان «دل کور» روایتگر دوره پهلوی اول و دوم است. «خود جمعی» در این رمان، «خودی» منفعل و خشن است. در جهان رمان منافع فردی بر منافع جمعی ترجیح دارد. روشنفکر در رویارویی با «خود جمعی» بر اساس مهربانی و صلح طلبی کنشگری می‌کند.

کلیدواژگان: روشنفکری، رمان، کنشگری، کنش متقابل نمادین، هربرت بلومر.

* گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. M_hadeyan@yahoo.com

** استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

yasatash@yahoo.com

*** دانشیار گروه علوم اجتماعی، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. Ha.tanhaei@iauctb.ac.ir

نویسنده مسئول: منصوره ثابت زاده

مقدمه

روشنفکر یکی از مهم‌ترین کنشگران جامعه است که خود را در مواجهه سه نیروی نظام سیاسی، اقتصادی و فرهنگی می‌بیند و به تعدیل سرکشی قدرت ذاتی هر یک از آن‌ها می‌پردازد. «خود» روشنفکر را باید در دنیای تجربی جامعه مطالعه کرد. زیرا روشنفکر در میان جامعه زندگی می‌کند و به عنوان کنشگری آگاه در ساختارهای اجتماعی - سیاسی کنشگری می‌کند. برای فهم دقیق رویکرد نقش روشنفکران باید به درک درستی از روابط «من» و «من اجتماعی» در بستر جامعه داشته باشیم. نقش روشنفکری در دفاع از حقوق مادی و معنوی انسان رخ می‌دهد. در این ترسیم روشنفکران کسانی هستند که «بر اساس اصول جهانی عمل می‌کنند؛ اصولی که طبق آن‌ها تمام افراد بشر حق دارند از قدرتهای دنیوی یا از ملت‌ها بخواهند که معیارهای شایسته آزادی و عدالت را پاس بدارند؛ و اینکه با جسارت بر نادیده گرفتن عمدی یا غیر عمدی این معیارها شهادت داد و با زیر پا نهادن آن‌ها به مبارزه برخاست» (سعید، ۱۳۸۹: ۳۱). روشنفکر در مقابل نظام سیاسی، اجتماعی و اقتصادی پرسشگر است. پرسش در آنچه که فکر و روح آدمی را مسخ کرده و مانع زیستن مبتنی بر عقل می‌شود. گرامشی آنان را کسانی می‌نامد که «در نظم دادن به دستاوردهای فرهنگی جامعه (یعنی در تولید، توزیع و انتظام دانایی) نقش اصلی دارند» (احمدی، ۱۳۸۷: ۱۰۲).

«اصطلاح «کنش متقابل نمادین» (Symbolic Interactionism) عنوانی است برای رویکردی که در مطالعه زندگی گروهی و رفتار یا سلوک آدمی مورد استفاده قرار گرفته است» (بلومر، ۱۳۸۸: ۷۳). این نظریه «رویکردی واقع‌گرایانه» یا «فرود به زمین» در مطالعه علمی زندگی گروهی و رفتار بشری است. «مطالعاتش را در همین دنیای واقعی به انجام می‌رساند و تفسیرهایش را از چنین مطالعات طبیعت‌گرایانه‌ای بر می‌گیرد. اگر این نظریه خواستار مطالعه رفتار گروه واقعی دینی باشد، به سراغ همان گروه واقعی دینی می‌رود و همانگونه که مشغول زندگی هستند با دقت آن‌ها را مشاهده می‌کند. اگر خواستار مطالعه جنبش‌های اجتماعی باشد سرگذشت، تاریخ و تجارب واقعی جنبش‌ها را به دقت دنبال می‌کند» (بلومر، ۱۳۸۸: ۱۲۳-۱۲۴). در این نظریه ساخت «خود» بر محور رابطه جدلی من (I) و من اجتماعی (Me) در تجربه اجتماعی شکل می‌گیرد. «من» را به

عنوان مختصات بشری معرفی می‌کند و «من اجتماعی» واقعیت‌های ساختی و فرهنگی مؤثر بر فرد است. بنابراین انسان دارای «ساختی» است که می‌تواند متناسب با کنش متقابل اجتماعی عمل کند (تنهایی، ۱۳۷۸: ۴۶). از این رو «من اجتماعی» یا «انتظارات اجتماعی» و «من» به معنای آگاهی انسان در رابطه متقابل در «خود» جلوه می‌کند. «کنش متقابل نمادین» یکی از مناسب‌ترین رویکردهای اجتماعی برای مطالعات جامعه شناختی ادبیات روایی است. با این نظریه می‌توان هم کنش شخصیت‌ها را تحلیل کرد و هم می‌توان نمای دقیقی از وضعیت جامعه و نقش شخصیت‌های روشنفکر را به مثابه کنشگران در «زیست جهان» (Life world) دو رمان «چشم‌هایش» و «دل کور» نشان داد.

این مقاله در پی یافتن پاسخ بدین پرسش‌هاست: با توجه به روابط متقابل من (I) و من اجتماعی (Me)، «خود» روشنفکر در جهان رمان چگونه هویت می‌یابد؟ نقش آن‌ها در برابر ساخت اجتماعی و سیاسی چگونه است؟ مقاله حاضر، یک بررسی تحلیلی-توصیفی است که شخصیت‌های روشنفکر را در دو رمان بر اساس نظریه «کنش متقابل نمادین» تحلیل می‌کند. کنش آنان به مثابه کنشگرانی آگاه در موقعیت اجتماعی جهان رمان مقایسه می‌شود. از آنجا که این پژوهش با رویکردی میان رشته‌ای هویت و کنشگری روشنفکران جامعه ایرانی رمان دوره پهلوی تحلیل می‌کند؛ دارای یافته‌های تازه‌ای در جامعه‌شناسی ادبیات معاصر ایران است. «چشم‌هایش» و «دل کور» به بررسی وضعیت ساختار اجتماعی و سیاسی جامعه شهری در دو دوره پهلوی اول و دوم می‌پردازند. مقاله حاضر تلاش می‌کند تا با رویکرد جامعه‌شناختی، نوع و الگوی متنوع کنش روشنفکر را در جهان «چشم‌هایش» و «دل کور» مقایسه کند. بنابراین جهت-گیری و نوع کنش شخصیت‌های روشنفکر این رمان‌ها سنجیده می‌شود تا چگونگی نقش شخصیت‌های مخالف با ساختارهای سیاسی و اجتماعی نشان داده شود.

پیشینه پژوهش

تا کنون هیچ پژوهشی در ادبیات داستانی با رویکرد «کنش متقابل نمادین» هربرت بلومر تحلیل نشده است. منابع ذیل به اهمیت جایگاه انسان و آثاری چند نیز به معرفی و

تفسیر این نظریه پرداخته‌اند: مقاله «دامنه کنش متقابل اجتماعی»، مصطفی اجتهادی، نشریه پژوهشنامه علوم انسانی، بهار و تابستان ۱۳۸۳، شماره ۴۲-۴۱ (ویژه نامه جامعه شناسی)، صص ۱-۱۲. در این مقاله اشاره می‌شود که توانمندی‌های کنشگر، سرمایه اجتماعی به شمار می‌آید که در گذر زمان بر اساس فرایند تجربه آموزی تغییرپذیر است. این فرایند سبب می‌شود به اندازه تغییرات سرمایه اجتماعی کنشگران، موقعیت آنان نیز تغییر کند. مقاله «جایگاه نظریه هربرت بلومر در جامعه شناسی معرفت»، حسین ابوالحسن تنهایی، مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان (علوم انسانی)، جلد دهم، شماره ۱ و ۲، سال ۱۳۷۸، صص ۳۹-۵۸. در این مقاله سعی شده است تا نظریه بلومر را در مقایسه با تعبیر مارکس و نظریه تفسیرگرایی در جامعه شناسی معرفت توضیح دهد. مقاله «بررسی جامعه شناختی «کنش مشترک» از منظر تعامل گرایی نمادین هربرت بلومر در نمایشنامه تاریخی-سیاسی فنشن»، فاطمه عبدوس و ناهید احمدیان، مجله تئاتر، تابستان ۱۳۹۵، شماره ۶۵، صص ۳۰-۴۹. مقاله حاضر تلاش کرده است که از دیدگاه «تعامل گرایی نمادین» و «کنش مشترک» بلومر، حرکت اجتماعی و روند «کنش مشترک» در میان روستائیان چینی را در نمایشنامه «فَنشِن» اثر دیوید هر تحلیل کند. مقاله «انسان گرایی فردوسی؛ احیای اندیشه ایرانی شهری و پایان سکوت فرهنگ ایرانی»، سهیلا لویمی، فصلنامه مطالعات ادبیات تطبیقی، پاییز ۱۳۹۸، شماره ۵۱، صص ۲۶۱-۲۸۲. در این پژوهش به واکنش هویت فردی و ملی ایرانیان در مواجهه با رویدادهای سیاسی و اجتماعی در روزگار فردوسی اشاره می‌کند و کنشگری شخصیت‌های «شاهنامه» در موقعیت‌های جدید بررسی می‌شود. مقاله «تحلیل تطبیقی اصالت بشر از دیدگاه مولانا با اندیشه‌های ژان پل سارتر»، معصومه صادقی، فصلنامه مطالعات ادبیات تطبیقی، تابستان ۱۳۹۷، دوره ۱۲، شماره ۴۶، صص ۲۷۱-۲۵۳. این پژوهش بیان می‌کند: در طول تاریخ، زندگی انسان مورد توجه متفکران غرب و شرق بوده است. اصالت بشر بر ماهیت فرامادی و فرامعنوی انسان تأکید دارد و همین موضوع با تفاوت مبانی فلسفی در ادبیات ایرانی بازتاب دارد. از آنجا که این پژوهش با رویکردی میان رشته‌ای هویت و نقش روشنفکران جامعه ایرانی رمان دوره پهلوی تحلیل می‌کند؛ دارای یافته-

های تازه‌ای در جامعه‌شناسی ادبیات معاصر ایران است و می‌تواند ما را به شناخت و درک بهتر ادبیات روایی رهنمون نماید.

مبانی نظری

نظریه «کنش متقابل نمادین» جامعه را مجموعه‌ای از کنش‌ها و واکنش‌ها می‌داند. هربرت بلومر با پذیرش دیدگاه‌های جرج مید بر آن شد که هم اندیشه‌های خود را بیان کند و هم ابعاد و جنبه‌های نظری جرج مید را روشن‌تر بیان کند. «کنش متقابل نمادین تشخیص می‌دهد که انسان می‌بایستی دارای ساختی باشد که با ماهیت و طبیعت کنش متقابل اجتماعی انطباق و همسازی داشته باشد» (Lauer and Handel, 1977:12).

بلومر در مقدمه کتاب خود «چشم انداز و روش کنش متقابل گرایی نمادی» به بیان مطالب اساسی کنش متقابل نمادی پرداخته است و مفاهیم هستی‌شناختی و بنیادهای فلسفی خویش را در سه قضیه از هم تفکیک می‌کند.

بنا بر قضیه اول، نمی‌توان چیزی را در دنیا پیدا نمود که خارج از «اعیان» باشد. اعیان عبارت از سه مقوله ۱- اعیان فیزیکی (Physical Objects) ۲- اعیان اجتماعی (Social Objects) ۳- اعیان مجرد (Abstract Objects) است. به عبارت دیگر هیچ‌گاه نمی‌توان چیزی را در دنیا یافت که قابل معنا و اشاره نباشد. هرچند که آن چیز مانند موضوع‌های اساطیری وجود خارجی نداشته باشد. «انسان‌ها در مقابل اشیاء و موضوعات براساس معنایی که آن اشیاء برای آن‌ها دارند، واکنش نشان می‌دهند. این موضوع‌ها شامل تمام چیزهایی است که در جهان مورد ملاحظه و توجه قرار می‌گیرند. اشیاء فیزیکی نظیر درخت و صندلی؛ افراد همچون مادر، فروشنده مغازه؛ گروه‌های انسانی از قبیل دوستان و دشمنان؛ نهادهای اجتماعی نظیر مدرسه یا حکومت؛ آرمان‌هایی چون استقلال، امانت، درستی؛ کنش‌های دیگران همچون خواهش کردن، دستور دادن و به طور کلی اوضاعی که افراد در زندگی روزمره با آن درگیر می‌شوند؛ «اعیان» تلقی می‌گردند» (تنهایی، ۱۳۹۴: ۳۱۹). قضیه دوم بلومر به دنبال پاسخ برای این سؤال است: «منشأ معانی اعیان کجاست؟» انسان از بدو تولد هر آنچه را که در روابط متقابل اجتماعی می‌آموزد؛ برایش معنا دار می‌شود. بنابراین «معانی» نه در ذات پدیده‌ها

وجود دارد و نه در ذهن انسان، بلکه تنها در روابط متقابل اجتماعی معنا می‌یابند. «معانی از خلال کنش متقابل اجتماعی پدید می‌آیند. بلومر معتقد است که معانی درگیر در زندگی اجتماعی، نه بر اساس الگوی ذهن‌گرایی، ذهنی است و نه بر سیاق واقع‌گرایی، عینی به معنای خارجی است، بلکه بر شیوه عمل‌گرایی تنها در عمل و تجربه اجتماعی سامان می‌گیرد. بستر کنش اجتماعی می‌تواند طبقه اجتماعی یا پایگاه اجتماعی و یا هر مقوله اجتماعی دیگری باشد» (بلومر، ۱۳۸۸: ۲۲-۲۴). قضیه سوم وجه تفسیرگرایی بلومر را نشان می‌دهد. تفسیرگرایان، بر این باورند که انسان چیزی در درونش دارد که به واسطه آن وقایع و پدیده‌ها را تفسیر می‌کند. آنان انسان را موجودی تفسیرگر و معناکننده می‌دانند. بنابراین انسان موجودی است که وقتی در برابر موقعیت قرار می‌گیرد؛ آن را تفسیر می‌کند و سپس بر اساس تفسیر از موقعیت و معانی کنشگری می‌کند» (تنهایی، ۱۳۹۴: ۴۴۸-۴۴۶).

شناخت انسان از خودش و آگاهی او نسبت به خویشتن خویش در فرآیندی اجتماعی ساخته می‌شود. ساخت «خود» بر محور رابطه جدلی (رابطه متقابل) من و من اجتماعی در تجربه اجتماعی شکل می‌گیرد. «من»، مختصات بشری انسان در فرآیند تکاملی متناسب با نیاز ورود به کنش متقابل اجتماعی شکل می‌گیرد و «من اجتماعی» واقعیت‌های ساختی و فرهنگی مؤثر بر فرد است.

من اجتماعی به زبان مید و بلومر یعنی انتظارات اجتماعی و آگاهی انسان سرانجام در همین فرآیند جدلی میان «من» و «من اجتماعی» به تعبیری ساختاری در «خود» جلوه می‌نماید.

«من» که تنها یک مرحله و یک قسمت از «خود» را تشکیل می‌دهد، بخش نیروهای انگیزنده و تازه و پیش‌بینی نشده است. «من اجتماعی» همان اجتماع سازمان یافته است که در نگرش‌های انسان منعکس شده است. بنابراین «خود» فرآیندی دیالکتیکی یا جدلی است که در آن «من»، «من اجتماعی» را فرا می‌خواند و سپس به آن پاسخ می‌دهد. «من» به هیچ رو قابل پیش‌بینی نیست؛ اما من اجتماعی نشان‌دهنده توقعات تعمیم یافته محیط اجتماعی است. در دیالکتیکی پیش‌رونده میان این دو فرآیند، «خود» وجود می‌یابد» (Lauer and Handel, 1977: 67). طبق دیدگاه جرج مید و هربرت بلومر،

«خود» نه «من» و نه «من اجتماعی»، بلکه حاصل رابطه دیالکتیکی میان هر دوی آنهاست. بنابراین «خود»، و عناصر داخلی آن یعنی «من» و «من اجتماعی» تنها در بستر کنش متقابل اجتماعی شکل می‌گیرند. «خود» انسان در این نظریه، ماهیتی دو بعدی دارد. در عین فاعلیت می‌تواند مفعول اعمال خود نیز باشد، یعنی فرد همانگونه که می‌تواند در برابر دیگران عمل کند، در برابر خود نیز قادر به عمل است. این مکانیزم سبب می‌شود تا انسان با دنیای خود روبه‌رو شود و با آن مرادده کند (ریترز، ۱۳۸۶: ۲۷۹؛ مهدوی، ۱۳۷۶: ۲۵).

مهم‌ترین ویژگی «خود» که اولین بار توسط جرج مید بیان شد، خصلت «بازتابی» بودن «خود» است، به معنی اینکه «خود» مفعولی یا خود مورد شناخت به عنوان عینی در مقابل «خود» فاعلی قرار می‌گیرد و مخاطب واقع می‌شود. از طریق سؤال و جواب‌های «خود» با «خود» است که بخش نمادی ذهن آدمی پرورش می‌یابد. بر این اساس انسان در تفکر جرج مید اگرچه همیشه درگیر شرایط یا جبرهای اجتماعی، طبقاتی یا فرهنگی است ولی هیچ‌گاه مجبور نیست؛ بلکه اعمال و کنش او، نتیجه مستقیم مشورت با خود و انتخاب عملی‌ترین و مفیدترین راه است (تنهایی، ۱۳۹۳: ۲۲۴-۲۲۶). «خود» تنها پس از تفسیر از موقعیت خویش دست به ساخت کنش می‌زند. ساخت کنش همان «کنش‌سازی» در برابر موقعیت است. بلومر چنین کنشی را «کنش نمادی» می‌نامد که بنا بر تفسیر فرد از موقعیت ساخته می‌شود (بلومر، ۱۳۸۸: ۲۷).

تحلیل یافته‌های پژوهشی در دو رمان «چشم‌هایش» و «دل کور»

گزیده رمان «چشم‌هایش»: رمان «چشم‌هایش» روایتی از دوره تاریخی رضاشاه ترسیم می‌کند. فرنگیس تنها فرزند یکی از مالکان مازندران است که در دارالمعلمت دو سال تحصیل کرده و از آنجا که به هنر نقاشی علاقه دارد با تشویق پدرش به نزد استاد ماکان - نقاش معروف - می‌رود؛ اما استاد ماکان نقاشی‌هایش را نمی‌پسندد و او را به عنوان شاگرد نمی‌پذیرد. تصمیم می‌گیرد به پاریس برود و در رشته هنرهای زیبا تحصیل کند. مادرش از آنجا که فردی سنتی است مانع او می‌شود؛ اما پدر با او موافق است و او را به فرانسه رهسپار می‌کند. در فرانسه با یاری سرهنگ آرام - نوه پسر عموی پدری

فرنگیس - در کالج ثبت نام می‌کند. تا اینکه برای دیدن آثار هنری و معماری به ایتالیا می‌رود و در آنجا با استفانو - استاد ماکان - آشنا می‌شود و او را به یکی از دانشجویهایش به نام خداداد معرفی می‌کند تا به نزد او برود و با او همکاری کند. خداداد فردی باغبان زاده است که با یاریگری استاد ماکان تحصیل کرده و به پاریس اعزام شده است. او جزء افرادی است که تحت تعقیب نظام سیاسی است. با بیماری و بی‌پولی همچنان در روزنامه‌ها علیه نظام سیاسی کاریکاتور می‌کشد. خداداد، فرنگیس را به همکاری سیاسی با استاد ماکان رهنمون می‌کند و او را تشویق می‌کند که به ایران برگردد و در گروه مخفی استاد ماکان مبارزه کند. فرنگیس به ایران برمی‌گردد و با استاد ماکان ملاقات می‌کند و در گروه مخفی استاد ماکان جای می‌گیرد. از سوی دیگر املاک پدر فرنگیس به وسیله خاندان شاهی تصرف شده و دخترش را به مبارزه تشویق می‌کند. فرنگیس رابطه‌ای عاشقانه نیز با استاد ماکان دارد و حاضر به هرگونه فداکاری برای اوست. در نهایت استاد ماکان زندانی می‌شود. فرنگیس که دوستدار و عاشق استاد ماکان است؛ سرهنگ آرام را به منزل دعوت می‌کند و در عوض آزادی ماکان، پیشنهاد ازدواج آرام را می‌پذیرد. سرتیپ استاد را از زندان به کلات تبعید می‌کند. پس از سه سال تبعید ناگهان می‌میرد و فرنگیس نیز از آرام جدا می‌شود.

گزیده رمان «دل کور»: رخدادهای رمان «دل کور» میان سال‌های ۱۳۱۷-۱۳۴۷ش روی می‌دهد. مادر گل مریم هنگامی که او را به دنیا می‌آورد، فوت می‌کند؛ همچنین پدرش را در جریان مشروطه از دست می‌دهد. بنابراین به واسطه فامیلی که با خانواده ارباب حسن دارد، در گوشه‌ای از خانه بزرگ او زندگی می‌کنند. در این ایام صادق فرزند ارباب حسن چهار سال دارد و به یاد دارد که برادر بزرگش - مختار - چگونه به گل مریم تجاوز کرد و آبستن شد. ارباب حسن از حادثه آگاه می‌شود و قصد کشتن پسرش را دارد. پسر از خانواده متواری می‌شود و به سربازی می‌رود. گل مریم فرزندش را در خانه امجدالدوله در همان همسایگی رها می‌کند. آنان دختر را تربیت می‌کنند و نام فرشته بر او می‌گذارند. کوکب خانم سراغ فرزند متواری خود را می‌گیرد تا اینکه می‌فهمد مختار در ورامین با زنی به نام جیران ارتباط داشته و باردار شده است. با همدستی یکدیگر همسر جیران را می‌کشند. مختار به هفت سال زندان محکوم می‌شود.

هنگامی که آزاد می‌شود، جیران و فرزند را به حال خود وا می‌نهد. دایی اکبر، پدر و فرزند را آشتی می‌دهد و مختار به خانه برمی‌گردد. او بار دیگر به گل مریم تجاوز می‌کند او آبستن می‌شود و نوزاد مرده به دنیا می‌آید.

رسول متوجه می‌شود که مختار، قصد آزار خواهرشان - بهجت - را دارد. مشاجره آنان به درگیری می‌انجامد و رسول در اثر ضربه‌ای که به او می‌خورد حافظه‌اش را از دست می‌دهد. مختار یک دانگ از خانه را از کوبک در قبال قرض پانصدتومانی می‌گیرد که خرج درمان بی‌نتیجه رسول می‌شود و قسمتی از آن نیز خرج عروسی خود مختار می‌شود. بعدها یک دانگ دیگر از خانه در ازای هزینه سفر کربلای کوبک خانم به مختار داده می‌شود. مختار رسید می‌گیرد و به هنگام تقسیم ارث سعی می‌کند که صاحب کل خانه شود. رسول برای تقسیم ارثیه پدر نیز حضور دارد. برای آنکه کوبک خانم بی‌پناه نشود؛ چاقویی را از جیب در می‌آورد و گلوی خود را پاره می‌کند. خون گردنش را روی رسید می‌ریزد تا نوشته‌های آن را پاک کند. زهره - دختر دایی صادق - پرستار است و با فردی به نام تیموری ازدواج می‌کند و باردار می‌شود؛ اما به دلیل آنکه همسرش مرتکب قتل شده به کویت فرار می‌کند. او مجبور می‌شود که طلاق بگیرد و در نهایت با صادق ازدواج کند. قدیر خواستگار فرشته می‌شود؛ اما خانواده امجدالدوله با وصلت آنان مخالفت می‌کنند. قدیر بر روی فرشته اسید می‌پاشد و گلو و ریه‌های او آسیب می‌بیند. فرشته به قدیر رضایت می‌دهد و لحظه‌های پایانی زندگی‌اش در بیمارستان بستری است. سپس قدیر عاشق «ملیحه» - دختر مختار - می‌شود. مختار با ازدواج او مخالفت می‌کند. آن‌ها در یکی از فروشگاه‌های مختار با یکدیگر درگیر می‌شوند و مختار به قتل می‌رسد.

شکل‌گیری «خود» در جهان رمان‌های «چشم‌هایش» و «دل کور»

در این بحث میزان گستردگی «من» و «من اجتماعی» را در جهان دو رمان بررسی می‌کنیم تا موقعیت اجتماعی و کنشگری «خود» شخصیت‌های روشنفکر نشان داده شود.

من فردی و من اجتماعی شخصیت‌ها در رمان «چشم‌هایش»: در این رمان ما با شخصیت‌هایی سنتی در کنار شخصیت‌های مدرن روبه‌رو هستیم. زن، با دو نوع

شخصیت پدیدار می‌شود. زنی با اعتقادات مذهبی و افکار سنتی که همواره آیین‌های دینی به جای می‌آورد و کتاب «زاد المعاد» در دست دارد. نمونه این شخصیت، مادر فرنگیس است که چنین توصیف می‌شود:

«مادرم از آن دنیای دیگری بود. کتاب دعا، سرجانماز، تسبیح، قلیان و شاهزاده عبدالعظیم و قم او را در زندگی راضی می‌کرد. خوشش می‌آمد با «خاور سلطان» و «امین الحاجیه» و «خانم عرفان» بنشیند، قلیان بکشد» (علوی، ۱۳۷۲: ۱۰۴).

«خود» این شخصیت‌ها تحت تعین «من اجتماعی» هستند. «من اجتماعی» به مثابه واقعیت‌های ساختی و فرهنگی مؤثر بر «خود» سلطه دارد و فرد بر اساس «من اجتماعی» کنشگری می‌کند.

نوع دیگر زنی متجدد است که می‌خواهد لحظه‌های پرشتاب دنیای جدید را بیازماید (همان: ۱۲۶). شخصیت فرنگیس تبلور نمونه کاملی از فردیت است که وسعت و گستردگی من فردی او به اندازه‌ای است که «من اجتماعی» در برابرش چندان جلوه نمی‌یابد. او خود تصمیم می‌گیرد که چگونه عاشق شود؛ چه موقع به سفر خارج از کشور برود و در مبارزه سیاسی و فعالیت‌های شبکه‌ای، ساختارهای اجتماعی مانع اراده‌اش نیستند. او ساختارهای سختگیرانه اجتماعی را بر نمی‌تابد. این شخصیت سلطه مطلق «من اجتماعی» را در شاکله «خود» نمی‌پذیرند و کنش او بر مبنای «من» فردی شکل می‌گیرد.

از سوی دیگر شخصیت رجب سنت‌گرا و استاد ماکان متجدد در کنار یکدیگر در جامعه جهان رمان کنشگری می‌کنند (همان: ۹۹). ماکان نمونه شاخصی از شخصیت‌ها در رمان «چشم‌هایش» به شمار می‌رود که آزادانه و با آگاهی از خطرات به مصاف سلطه نظام حاکم می‌رود و همفکرانی را پیرامون خود جمع می‌کند. کنش‌های او مبنای فردیت و گستردگی من در برابر من اجتماعی است.

بنابراین جهان رمان «چشم‌هایش» نمایی از تداخل و آمیزش سنت و تجدد ارائه می‌کند. به این معنا «خود» دسته‌ای از شخصیت‌های تحت تعین ساختار اجتماعی

هستند و «خود» دسته دیگر به گونه‌ای هویت می‌یابند که سلطه‌پذیری «من اجتماعی» را نمی‌پذیرند و داری فردیت هستند.

من فردی و من اجتماعی «خود» در رمان «دل کور»: فشارآوری ساختارهای اجتماعی در جامعه جهان رمان «دل کور» به اندازه‌ای است که اجازه نمود فردیت از شخصیت‌های رمان می‌گیرد. مانند کنش‌های «مختار» نسبت به پیرامونش است. هنگامی که پدرش، ارباب حسن از تجاوز مختار به گل مریم آگاهی می‌یابد؛ تصمیم می‌گیرد که او را بکشد. مختار متواری می‌شود. پس از بازگشت به خانه؛ پدر با اکراه با وی آشتی می‌کند (فصیح، ۱۳۷۲: ۶۸) اگرچه مختار می‌داند که دو فرزند نامشروع دارد و محل زندگی هر یک را نیز می‌داند؛ اما هیچ‌گاه نسبت به آنان ارتباط و پیوندی ندارد. این انکار ریشه در آن دارد که او به شدت تحت تأثیر «من اجتماعی» است (همان: ۲۳۸). همچنین «من اجتماعی»، گل مریم را مجبور می‌کند؛ فرزند نامشروع حاصل از ارتباط با مختار را در کوچه امجدالدوله رها کند. این کنش علی‌رغم میل باطنی و با فشار ساختار اجتماعی و سلطه من اجتماعی صورت می‌گیرد (همان: ۹۳). حتی شخصیت مختار که خود کانون رذایل اخلاقی است در برابر فشارآوری ساختارهای اجتماعی، خود را با سنن و انتظارات و ارزش‌های تعریف شده اجتماعی مطابقت می‌کند و در برابر دیگران به‌ویژه پدر دست‌نماز می‌گیرد و نماز می‌خواند (همان: ۶۳).

در جوامع سنتی که انتظارات اجتماعی بر «من» سلطه دارد. رابطه شخصیت‌ها در مواجهه با ساختار اجتماعی به این گونه نمایان می‌شود که شخصیت‌ها ناگزیرند به «من اجتماعی» احترام بگذارند. در این نمایه از رمان کوکب خانم ترک نماز علی را از آن جهت مشکل ساز می‌داند؛ که پدرش - ارباب میرزا - ناراضی می‌شود و به او می‌گوید که مبادا نمازش را ترک کند؛ در این صورت «ارباب میرزا» ناراحت و خشمگین می‌شود (همان: ۲۳).

در جهان سنتی رمان «دل کور» حتی ظاهر و رفتار افراد نقص عضو و بیماران روانی نیز پذیرفته نیست؛ زیرا ظاهر و رفتار آنان با هنجارهای تعریف شده زیست جهان آنان مغایر است. سیا دیوانه شخصیتی ولگرد در محله درخونگاه است که مردم برای خندیدن، اذیتش می‌کنند و تماشاچی حرکاتش می‌شوند.

«او هم کفری می‌شد و داد می‌زد و گریه می‌کرد... و به دیوار خیره می‌شد و کف از دهانش بیرون می‌زد، آن وقت عین جانوری که شاخ بکشد و به دشمنش حمله می‌کند، به دیوار یورش می‌برد و خودش را بر سر و صورت به دیوار می‌کوبید» (همان: ۸۲).

همچنین رسول پس از صدمه دیدن از برادر، حافظه خود را از دست می‌دهد و شیوه راه رفتنش نیز با دیگران متفاوت است؛ از این رو همواره این مغایرت با معیارهای ظاهری برایش دردسر ساز است. به او توهین می‌شود و آسیب می‌بیند. در حالی که قبل از بیماری فردی توانا با استعداد و باسواد بوده است و همواره مورد احترام دیگران بوده است (همان: ۱۴۲).

«خود» زنان نیز افرادی منفعل و به شدت تحت تعین ساختارهای اجتماعی هستند و در موقعیت‌های اجتماعی به مثابه ناظر عمل می‌کنند. مانند زهره که همسرش قاتلی فراری است و امیدی به بازگشت او ندارد. همچنان «من اجتماعی»، او را بر سکوت و انفعال وا می‌دارد. او در شهر آبادان می‌ماند تا فرزندش به دنیا بیاید و خود را هنوز همسر مرد قاتل فراری و پناهنده به کشور کویت می‌داند. رمان «دل کور» روایتی از جامعه سنتی است و «خود» روشنفکر با تأثیر از «من اجتماعی» کنشگری می‌کند.

موقعیت و جهت‌گیری روشنفکر در جهان رمان‌های «چشم‌هایش» و «دل کور»
بلومر در شرح مفهوم «خود» می‌گوید: «انسان می‌تواند موضوع کنش خود گردد. او نسبت به خودش کنش نشان می‌دهد و در کنش‌های نسبت به دیگران، بر پایه همان تصویری که از خودش دارد، «خود» را هدایت می‌کند. «خود» به انسان‌ها کمک می‌کند تا به جای واکنش صرف، در برابر محرک‌های خارجی به کنش دست بزنند» (ریترز، ۱۳۸۶: ۲۸۸). انسان با رابطه بازنگرانه دو وجه ساختی «خود» یعنی خود فاعلی عامل شناخت و خود مورد شناخت به کنش‌های فردی و اجتماعی جامعه پاسخ می‌دهد. اهمیت خود اجتماعی در «نظریه کنش متقابل نمادین» بر روابط میان افراد کاربرد دارد. از آنجا که «من اجتماعی»، تبلور هنجارهای موجود اجتماعی است. کنش‌های فردی و جمعی در برابر «خود اجتماعی» به فرآیند برسازگی کنش می‌انجامد. پس درک موقعیت

اجتماعی «خود» در نظام احتیاجات، ما را به فهم ساختارهای سیاسی- اجتماعی روشنفکران رهنمون می‌کند. درک موقعیت نیز به معانی زیست جهان رمان وابسته است. شخصیت‌ها در دو رمان مستقیم و غیر مستقیم در زیست جهان دینی زندگی می‌کنند. باید ریشه آن را در این اندیشه جست که «عرفا و معتقدین مذهبی، وجود انسان مشروط به خلق شدن از طرف خداست. لذا ماهیت وجودی انسان در تفکر عرفانی که وجود انسان را حاصل عشق خداوند می‌داند» (صادقی، ۱۳۹۷: ۲۶۹). عشق نیز در دو رمان، با دو جنبه سیاسی و اجتماعی، شخصیت را به کنش وا می‌دارد. عشق به صلح و آزادی نمودی از کنشگری شخصیت‌های «چشم‌هایش» و «دل کور» است.

موقعیت و جهت‌گیری «خود جمعی» و «خود فردی» روشنفکر

در رمان «چشم‌هایش»: اگر بخواهیم موقعیت «خود فردی» روشنفکران را در رمان «چشم‌هایش» بررسی کنیم؛ آنان را در دو دسته می‌توان تقسیم کرد و در نهایت به شکل یک جمع در می‌آیند و در برابر ساختارها در فرایند کنش جمعی، کنشگری می‌کنند. دسته اول فرهاد میرزا، فرنگیس هستند که دارای تحصیلات دانشگاهی و پدرانشان مالکان بزرگی هستند که در جریان تضعیف شیوه تولید کشاورزی، املاکشان تصرف شده و پدرانشان نیز مورد غضب حاکمیت واقع شده‌اند. پدر فرنگیس تبعید و پدر فرهاد میرزا زندانی می‌شود. گروه دوم خداداد، مهربانو، استاد ماکان در طبقه فرودست و دارای تحصیلات دانشگاهی هستند. در خانواده‌های فقیر و متوسط زندگی کرده‌اند و منابع درآمدی آنان از رهگذر هنر تأمین می‌شود. آنچه این دو گروه را در برابر حاکمیت قرار می‌دهد و آنان را در یک کنش جمعی گرد می‌آورد؛ آگاهی از سیاست‌های تسریع بخشیدن به فرایند مدرنیزاسیون در ایران است که موجب دگرگونی فرهنگی، مهاجرات و بدبختی روستاییان و دهقانان می‌شود. از سوی دیگر اقتدار خودکامه مانع فضای آزادی اندیشه می‌شود. شخصیت‌های دو طبقه، نظر به منافع جمعی دارند. بنابراین «خود»های فردی پیرامون استاد ماکان گرد می‌آیند تا به مثابه «خود جمعی» در یک گروه مخفی سیاسی علیه نظام سیاسی کنشگری داشته باشند. این نقش «بازنمایی درد مشترک ملت خودی، شهادت دادن بر رنج و مصائب ملت‌ها، تأکید بر حضور و تحکیم خاطره آن

چیزی است که روشنفکر باید وظیفه انجام دادن آن را بر عهده بگیرد... [در این باره] وظیفه روشنفکر این است که بحران را به صراحت تعمیم بخشد، چشم انداز انسانی گسترده‌ای از آنچه نژاد یک ملت خاص را رنج دهد، ارائه کند» (سعید، ۱۳۸۹: ۶۱). «خودجمعی» روشنفکران در رمان «چشم‌هایش» در تقابل با حاکمیت قرار می‌گیرد. این جریان در تلاش برای احقاق حقوق آزادی و اصلاح ساختارهاست. ماکان به عنوان «خود»ی روشنفکر در راه مبارزه، کار و فعالیت اجتماعی، عواطف و احساسات قلبی را نادیده می‌گیرد. او اینگونه به فرنگیس می‌گوید:

«سرنوشت من با سرنوشت این مملکت توأم است. برای من خوشبختی انفرادی دیگر وجود ندارد. اگر تو بخواهی زندگی خودت را با مال من پیوند بدهی، بدبخت می‌شوی» (علوی، ۱۳۷۲: ۱۹۵).

خداداد، باغبان‌زاده‌ای است که در پاریس تحصیل می‌کند. طبیعی است که منافع طبقاتی او را در گروه سیاسی مخفی استاد ماکان جای دهد. او در راستای منافع جمعی با وضع موجود مبارزه می‌کند و بخشی از هویت او در مبارزه تعریف می‌شود. چنانکه فرنگیس در توصیف خداداد و مهربانو می‌گوید:

«چه زندگی پر تلاطمی این‌ها داشتند. در عین حال همه وقت شاد و خندان و خشنود بودند. مبارزه آن‌ها را آرام کرده بود» (همان: ۱۰۱).

فرنگیس هویت «خود» را در هنرجویی می‌یابد. در فرایند و تأثیر آگاهی بخشی خداداد و ماکان، شخصیت او متحول می‌شود. بنابراین حرکت «خود» فرنگیس از اسارت طبقاتی تا رهایی در توالی رمان مشهود است. در این میان خداداد اسارت طبقاتی فرنگیس را به او گوشزد می‌کند:

«راه تعالی هم تنها هنرمندی نیست. خیال می‌کنی که بذاته نمی‌توانی کار کنی بیا برو تا دیگران به تو کمک کنند، تا بتوانی از جلدی که طبقه‌ات تو را در آن چپانده بیرون بیایی. بیا برو به ایران! برو پیش استاد آنجا زیر دست او کار کن، اما با تواضع به او نزدیک شو» (همان: ۱۰۸).

در نهایت در کنار اعضای گروه در تقابل با اقتدار سلطه قرار می‌گیرد (همان: ۱۴۹). واژگونی فرهنگی، اقتدارگرایی سیاسی، خفقان فکری معانی، زمینه کنش نمادی

شخصیت‌های را فراهم می‌کند. مخالفت به واقعیت موجود، آنان را با راه‌ها و اهداف مشترک در قالب یک گروه سازمان یافته در پیرامون هم گرد می‌آورد و کنشگری روشنفکران با سازمان یافتگی با دیگر «خود»ها، در قالب «خود جمعی» آغاز می‌شود. بنابراین آزادی اندیشه و منافع جمعی، هویت «خود جمعی» شخصیت‌ها را در ستیز با اقتدارگرایی و خفقان سیاسی شکل می‌دهد. «خود فردی» در رویارویی با سایر شخصیت‌ها در موقعیت تخصصی قرار نمی‌گیرند؛ اما «خود جمعی» نیز در رویارویی با حاکمیت معنا می‌یابد و افراد با فعالیت‌های سیاسی هویت می‌یابند.

در رمان «دل کور»: موقعیت «خود» در رمان «دل کور» به گونه‌ای دیگر ترسیم می‌شود. زیست جهان «خود»، جامعه‌ای سنتی است و «من اجتماعی» بر همه شخصیت‌ها سلطه دارد و «خود» امکان فردیت نمی‌یابد. پس «خود» روشنفکر رمان «دل کور» در جامعه‌ای نمود می‌یابد که «من اجتماعی» بر افراد سلطه دارد. در این صورت برای فهم سوگیری «خود» روشنفکر در برابر ساختارهای موجود، نخست باید «خود فردی» و «خود جمعی» پیرامونش را شناخت.

«خود فردی» شخصیت‌ها در رمان «دل کور»، افراد جامعه را دیگری (غیر) می‌پندارد و با دیگران در وضعیتی متضاد قرار می‌گیرد. برخی از کنش‌های مختار مانند تجاوز به گل مریم، رابطه نامشروع با جیران و رامینی و مشارکت در قتل همسرش، دعوا با جیران و بیرون کردن او و پسر نامشروعش قدیر، مجروح و مجنون کردن رسول، تصرف اموال پدر، تصرف ارثیه کوب خانم، نپذیرفتن مخارج دفن کوب خانم و... مبین «خودی» جاه طلب، منفعت طلب، خودخواه است که حقوق دیگران را رعایت نمی‌کند. با تأمل در کنش‌های شخصیت مختار که حاصل بازنگری «خود» اوست می‌توان گفت که او در روابط اجتماعی، در جهت منفعتش کنشگری می‌کند.

قدیر خواستگار فرشته است و با پاسخ منفی خانواده فرشته مواجهه می‌شود. هنگامی که امکان ازدواج با او را نمی‌بیند در نگاه او به مثابه غیر تفسیر می‌شود. غیر عقلانی بودن تفسیر قدیر و برسازگی کنش خشونت باعث می‌شود که روی صورت فرشته اسیدپاشی کند که به مرگ او می‌انجامد. «خود جمعی» افراد دارای تفسیر موقعیت و کنش بر مبنای «من فردی» را طرد می‌کند و کنش آنان را غیر قابل پذیرش می‌داند.

جامعه رمان در پذیرش نقش‌های متعدد ناتوانی است. اگر افراد حتی در شیوه ظاهری با معیارهای تعریف شده، همانند نباشند؛ «خود جمعی»، آنان را طرد می‌کند. نمونه طرد شدگان رمان شخصیت‌های گل مریم، رسول، سیا دیوانه، فرشته، قدیر هستند.

سیا دیوونه فردی است که ظاهر او با سایر افراد جامعه متفاوت است. او برای دیگران خطری محسوب نمی‌شود و فردی بی‌آزار است؛ اما به دلیل ناتوانی ذهنی نمی‌تواند با سطوح پایین انتظارات جمعی خود را هماهنگ کند. «خود جمعی» جهان رمان نمی‌تواند به این شخص احترام بگذارد و مورد مضحکه عموم جامعه واقع می‌شود (فصیح، ۱۳۷۲: ۶۶-۶۷) زیرا او نتوانسته است که خود را در سطح ظاهری با ساختار اجتماعی همسو کند. نمونه دیگر تقابل جمع و فرد هنگامی است که رسول صدمه ذهنی و جسمی می‌بیند. او همواره نمونه‌ای برای خندیدن مردم است و هنگامی که بر دهان و دندان خود صدمه می‌زند؛ مورد تشویق افراد جامعه قرار می‌گیرد و ناظر خونریزی و صدمه بیش‌تر رسول هستند (همان: ۱۲۲).

«خود فردی» در رمان «دل کور»، افراد پیرامونش را بیگانه می‌پندارد و گاه با دیگران در موقعیت تضادی و ستیزگونه قرار می‌گیرد و «خود جمعی» در رمان به افراد جامعه بی‌تفاوت است و کنش آنان در رخدادهایی که سود یا زیان آنان در آن نباشد؛ منفعلانه است. «خود جمعی» و «خود فردی» در جامعه رمان «دل کور»، «خودی» خشن و منفعت طلب است. جامعه اجازه نمود فردیت را به افراد نمی‌دهد.

کنشگری روشنفکر در رمان «چشم‌هایش» و «دل کور»

توانمندی انسان در اشاره‌سازی به خویشتن به این معناست که انسان با جهانی روبه‌رو می‌شود که او برای کنش در آن، بایستی آن را تفسیر کند... انسان باید در موقعیتی که در آن دعوت به کنش شده است مبارزه کند و خطوط کنش دیگران را بر مبنای تفسیر خود طراحی می‌کند (Lauer and Handel, 1977:15). در این صورت «نقش روشنفکر باید طوری باشد که به افزایش احساس هویتی مشترک، آن هم از نوع بسیار متعالی در جامعه ملی کمک کند» (سعید، ۱۳۸۹: ۴۹). هویت مشترک خواهان اشتراکات مادی و معنوی برای همه افراد جامعه است و منافع عمومی را در برابر هرگونه

قدرت معارض دور خواهد کرد. در این قسمت بر حسب موقعیت، شیوه کنشگری روشنفکر در رویارویی با ساختارهای اجتماعی-سیاسی تحلیل می‌شود.

کنشگری روشنفکر در رویارویی با ساخت سیاسی در رمان «چشم‌هایش»:

در جهان رمان «چشم‌هایش» منافع حکومت برای تحکیم اقتدارگرایی و تثبیت حکومت باعث می‌شود خود را با وضع جدید و تسریع در روند حرکت تاریخی همسو کند. در این میان سیاست‌های حاکمیت ناهمگونی‌ها و نابسامانی‌های اجتماعی در پی دارد که بستر کنشگری شخصیت‌ها می‌شود. رضاشاه در پی اقتدار دولت مرکزی و ایجاد نظام اداری بود. سعی و تلاش زیادی در براندازی ساختارهای اجتماعی و نیروهای تولید کهنه داشت. از این رو با تحمیل تجدیدگرایی بر ساخت اجتماعی، ناهمگونی و از شکل افتادگی مسائل فرهنگی و اجتماعی ایجاد شد.

روشنفکر «می‌کوشد تغییری در فضای اخلاقی جامعه ایجاد کند تا تعرض به مفهوم دقیق دیده شود؛ از مجازات ناعادلانه [و تضییع حقوق] مردم یا افراد جلوگیری شود، حقوق و آزادی‌های دموکراتیک به عنوان معیاری برای همه مردم و نه با تبعیض برای معدودی برگزیده، به رسمیت شناخته شود. در هر حال باید پذیرفت که این اهداف آرمان‌گرایانه و غالباً دست‌نیافتنی‌اند» (سعید، ۱۳۸۹: ۱۱۶-۱۱۷). «خود» استاد ماکان به عنوان هنرمند متعهد در جامعه با ساختارهایی مواجهه است که نمی‌تواند آن را بپذیرد. از یک سو خفقان فکری و ممانعت از آزادی بیان به هیچ روی مورد تأیید یک هنرمند نیست؛ از سوی دیگر جایگاه طبقاتی او، ستم‌های نظام استبدادی به جامعه را نمی‌پذیرد. بنابراین از دو جنبه کنش‌مندی استاد ماکان در ساخت آزادی‌اندیشه و ستیز طبقاتی در رویارویی با ساخت‌های سیاسی-اجتماعی موجود قابل بررسی است.

کشف حجاب با هدف نوگرایی به شکلی تقلید شده از غرب به اوج می‌رسد. این تقلید

در تابلوی «جشن کشف حجاب» ماکان مصنوعی است و خنده‌دار به نظر می‌رسد:

«نحیف زنی چهل و پنج ساله دیده می‌شود... لباس بر تن این زن گریه می‌کند. قیافه زن موقر و دلنشین، اما غم‌انگیز است. لچک سیاهی بر سر کرده و زیر گلو زده است و روی لچک یک کلاه فرنگی زنانه از حصیر سیاه دیده می‌شود. منظره این زن با لچک و کاله به حدی مضحک است که

اگر آدم این قسمت تابلو را ببیند خنده‌اش می‌گیرد. مثل اینکه یک زن هرجائی می‌خواهد تقلید درآورد. اما در قیافه زن شوخی و تمسخر خواننده نمی‌شود. زن... چیزی نمانده که آب شود و وارود. زیر پرده، روی چارچوب نوشته شده «جشن کشف حجاب» این را که آدم می‌خواند، دیگر خنده‌اش نمی‌آید» (علوی، ۱۳۷۲: ۴۴).

تابلو کنشگری ماکان را در برابر تغییر ناگهانی ساختارهای اجتماعی علیه نظام سیاسی نشان می‌دهد. استاد ماکان در برابر خفقان سیاسی و فکری معترض است به گونه‌ای که او حتی در دوران حیات خود نمی‌تواند آثارش را به نمایش بگذارد (علوی، ۱۳۷۲: ۱۹۸). از سوی دیگر عمق و ژرفای بدبختی‌ها و رنج‌های دهقانان را در تابلوی «خانه‌های رعیتی» نشان می‌دهد (همان: ۸۹). ماکان افراد را پیرامون خود جمع و متحد می‌کند. این شخصیت‌ها «نماینده ارزش‌هایی هستند که جایگاه اجتماعی‌شان را تقویت می‌کند و متضمن تداوم یک نظام طبقاتی مبتنی بر نابرابری است» (وبستر، ۱۳۸۲: ۱۰۵). بنابراین استاد ماکان، کنشگری مدافع پرولتاریاست و افراد این طبقه را علیه بورژوازی به مبارزه رهنمون می‌کند.

خداداد به عنوان قشر پیشرو جامعه از مبارزان ضد استبداد است. در روزنامه‌های فرانسه در نقد و مبارزه با استبداد *رضاشاه* کاریکاتور می‌کشد. فرنگیس در توصیف او می‌گوید: «یکپارچه آتش و یک بسته غضب بود... مدتی درباره اوضاع ایران گفت‌وگو کرد. از جنایاتی که مرتکب می‌شوند؛ از فساد و رشوه خواری حرف زد. از ثروتی که به دست بچه‌های اعیان امثال من از کشور خارج می‌شود؛ از بی‌گناهی که در زندان می‌میرند. از رجالی که فدای هوی و هوس مال پرستی شاه می‌شوند؛ از اشاعه بی‌ایمانی و تزویر و ریا، از نفوذ انگلیسی‌ها که تمام این رجال خیمه شب بازی را به بازی می‌گیرند» (همان: ۹۹). در پی فعالیت‌های سیاسی از بورس تحصیلی محروم می‌شود و تحت تعقیب نظام استبدادی *رضاشاه* با سختی در پاریس زندگی می‌گذراند (همان: ۹۸).

حاکمیت املاک پدری فرنگیس و فرهاد میرزا را تصرف کرده است و آنان را به زندان انداخته‌اند. منافع طبقاتی فرهاد میرزا و فرنگیس در تعارض و تناقض با حاکمیت قرار می‌گیرد. از سوی دیگر آنان فارغ‌التحصیل دانشگاه هستند و به عنوان دگراندیش در کنار

استاد ماکان کنشگری آگاه فعالیت می‌کنند. سیاست‌های حاکمیت برای ضعیف نمودن و تضعیف قدرت مالکان یا خوانین آشکارا در روایت رمان نمایش داده شده است. بنابراین ستیز میان مالکین و نظام سیاسی به عنوان رابطه تضادی درون طبقاتی باعث می‌شود. چنانکه پدر فرنگیس، دخترش را به مبارزه تشویق می‌کند (همان: ۱۰۹).

فرنگیس و فرهاد میرزا که از طبقه فرادستی هستند؛ در کنار ماکان به فعالیت و مبارزه سیاسی می‌پردازند. این شخصیت‌ها با اشتراک نداشتن در منافع طبقاتی، کنشگری آنان در رویارویی با حاکمیت همسو می‌شود. «پدر تو هم یکی از آن کسانی است که املاکش را در مازندران از دست داده و آنچه او در تهران در عوض به دست آورده یک پنجم دارائی سابقش نیست. بنابراین از ته دل با مبارزه ما همداستان است. باید در این خانه بمانی و با پدرت گرم‌تر بگیری و اینطور کارها را در خانه دیگری که به تو نشان خواهم داد، انجام بدهی، پدرت آدم مفیدی است...» (همان: ۱۳۱).

در مقابل قدرت‌های سلطه‌ساز؛ اعم از سیاسی و فرهنگی، روشنفکران و کیلان مردم و نظام ارزشی هستند و پدیدآورندگان دیدگاه‌های خاص، تا راه‌های برون‌رفت از وضع نامطلوب موجود را به مخاطبان خود در هر شکل و گفتمانی عرضه دارند. تغییر ساختارهای اجتماعی، وجود خفقان و حقوق طبقاتی، مبنایی برای کنشگری روشنفکران را در جهان رمان «چشم‌هایش» است. آنان برای تحقق آرمان‌های‌شان در رویارویی با نظام سیاسی می‌ایستند.

کنشگری روشنفکر در رویارویی با ساخت اجتماعی در رمان «دل کور»:

جهان سنتی رمان «دل کور» با یک نوع برسازگی کنش از سوی مختار و قدیر هستیم. آنان نماد خشونت اجتماعی به مثابه «من اجتماعی» هستند و بیش‌تر شخصیت‌ها بر مبنای کنشی آنان جهان خود را تفسیر می‌کنند. برسازگی کنش مختار در برابر مادر، پدر، فرزند، برادر بر مبنای منافع شخصی استوار و قابل تبیین است. مختار افراد جامعه و همچنین افراد نزدیک به خود را به مثابه «غیر» بازنگری و بازشناسی می‌کند. همچنین احساسی بودن، غیر عقلانی تفسیر «خود» و برسازگی «خشونت آمیز» از مشخصه کنش «قدیر» است. دسته‌ای دیگر به شکل یک جریان متفاوت و مخالف و غیر قابل درک در جامعه نمایان می‌شود. نمونه آن عاملیت رسول شبیه به رسالت پیامبران است. هنگام

مرگش مدافع حق دیگران است. در واقع با مرگ خود حقوق دیگران را احیا می‌کند (فصیح، ۱۳۷۲: ۱۱۸۲). پس از مرگ جیران، قدیر بی‌سرپرست می‌شود. رسول و صادق از گلین خانم می‌خواهند که اجازه دهد گل مریم از او نگهداری کند. پس از موافقت گلین خانم، صادق و قدیر با هم دوست می‌شوند.

از آنجا که روشنفکران نقش دیگرگونه‌ای از جامعه ایفا می‌کنند و به عنوان عنصر سوم ظهور می‌کنند. آنان دیگران را بازشناسی می‌کنند و حقوق آنان را بپذیرند. هرآنچه را که دوست دارند برای دیگران نیز دوست دارند. رسول همه را دوست دارد و صادق را نیز به دوستی با دیگران ترغیب می‌کند (همان: ۲۶۰). او حتی با حیوان‌ها هم مهربان است (همان: ۲۵۶).

نقش دیگر این شخصیت‌ها «تلاش برای نابودی کلیشه‌ها و «الگو»های تحقیر کننده است که اندیشه و ارتباط انسان را محدود می‌کنند... او برای رهایی، شکست و جلوگیری از پدید آمدن چنین فضایی باید خود را در برابر عقاید جزمی... تفکر حس برتر و برتری طبقاتی، نژادی یا جنسی را مورد تردید قرار دهند» (سعید، ۱۳۸۹: ۱۳-۱۵). رسول با معرکه یا نمایشی روبه‌رو می‌شود که سیا دیوانه خود را محکم بر دیوار می‌زند و مردم پیرامون او گرد شده‌اند و به او می‌خندند. رسول در میان این جمع تنها کسی است که می‌خواهد مانع «سیا دیوانه» از صدمه زدن به خود شود.

«آن روز غروب هم سیا دیوونه کفری شده بود... اما لحظه‌ای که سیا دیوونه از جا جست و په طرف دیوار پرید، رسول که با دست‌های باز جلوی سیا دیوونه، سینه دیوار ایستاده بود؛ او را گرفت. هیکل سیا دیوونه دست کم سه برابر رسول بود. او، با تمام هیبت و فشار دورخیزش، با کله به سر و سینه رسول خورد، سر رسول به عقب پرید و به دیوار کوبیده شد. رسول به طور معجزه آسایی توانست ناشیانه با هر دو دستش سیا دیوونه رو بگیرد و نگه دارد. دماغ رسول خون می‌آمد. سیا دیوونه دورخیز می‌کرد و رسول، جلو دیوار، او را می‌گرفت. ... هر کس چیزی گفت و ملت پراکنده شدند. رسول خون‌های صورت سیا دیوونه و بعد صورت خودش را با دستمال پاک کرد» (فصیح، ۱۳۷۲: ۸۵-۸۶).

حتی هنگامی که رسول به خانه برمی‌گردد؛ مورد مؤاخذه خانواده قرار می‌گیرد. پس در این رخداد «خود» روشنفکر رسول در تقابل با «خود جمعی» قرار می‌گیرد (همان: ۶۶-۶۹). در چنین جامعه‌ای روشنفکرانی ظهور می‌کنند که مدافع اخلاق و حقوق پایمال شده انسان هستند. از آنجا که نظام ارزشی و فرهنگی، رفتارهای فردی و جمعی را کنترل و معین می‌کنند؛ «زیرا هنجارهای غالب... پیوند بسیار عمیقی با ملت دارند... و همیشه در موضع قدرت هستند و خواهان پیروزی و توقع وفاداری و فرمانبرداری دارند» (سعید، ۱۳۸۹: ۵۵).

اگرچه کنشی اجتماعی از فرشته در رخدادهای روایت دیده نمی‌شود؛ اما او قلبی مهربان دارد و دیگران را مهربانی و دوستی رهنمون می‌کند. این از ویژگی‌های شخصیت‌های کنشگر در ادبیات روایی ایرانیان نیز هست و «در بیش‌تر داستان‌های [پیشین مانند شاهنامه و ...] انسان به عنوان مهم‌ترین عنصر، کنشگر اعمالی است که در آن مسأله اخلاقی مورد سنجش قرار می‌گیرد» (لویمی، ۱۳۹۸: ۲۷۱) چنانکه «خود» رسول و فرشته در رویارویی ساخت اجتماعی جهان رمان کنشگری می‌کنند و با مهربانی و دیگر دوستی خواهان تغییر وضع موجود اجتماع هستند. بنابراین در بستر جامعه‌ای با پذیرش سلطه من اجتماعی «خود» رسول و فرشته به گونه‌ای روشنفکرانه کنشگری می‌کنند. شخصیت «رسول» و «فرشته»، به مثابه روشنفکر، مدافع ارزش‌های متعال جاودانه فرا مکانی - زمانی چون عدالت و حقیقت، آزادی و حقوق و کرامت انسانی هستند و با دیگراندیشی هر چه برای خود می‌پسندند؛ برای دیگران نیز می‌پسندد.

فرجام روشنفکران در دو رمان «چشم‌هایش» و «دل کور»

عاملیت شخصیت‌های کنشگر در رمان «چشم‌هایش» در قالب فعالیت‌های سیاسی‌ای روی می‌دهد که مدیریت گروه با ماکان است. هر کدام از شخصیت‌های رمان در قالب گروه برای پیش‌برد اهداف گروهی نقش‌آفرینی می‌کنند. بنابراین کنشگری روشنفکران رمان در مبارزه سیاسی شکل می‌گیرد. «خود» متعهد و روشنگر در یک هم‌کنشی در ستیز با استبداد، تغییر تحمیلی ساخت‌های فرهنگی و مخالفت با نتایج مدرنیزاسیون دارای اهداف مشترک هستند. نتیجه و فرجام کنشگری روشنفکران شکست و سرکوب

است. در جامعه رمان «دل کور»، رابطه میان فرد و فرد؛ جامعه و فرد رابطه‌ای بیگانه و گاه خصمانه است. در این جامعه روشنفکران فهم و ادراک دیگرگونه‌ای دارند و پیوند اجتماعی آنان در ارتباط با دیگران رابطه‌ای خصمانه نیست. بلکه خواهان صلح و آشتی هستند و مبلغ مهربانی می‌شوند. در رمان «دل کور» هنجارهای غالب و رایج با ایجاد سلطه بر فکر، آدمی را به پیروی، فرمانبرداری و می‌دارد. روشنفکر بر خود می‌داند که در مقابل علل هنجارهای کج بایستد و سعی در حل موانع و تحقق شرایط مطلوب فکری داشته باشد (سعید، ۱۳۸۹: ۶۱). بنابراین در جهان رمان روشنفکران دارای فرجامی هولناک هستند. از آنجا که رابطه میان شخصیت‌های کنشگر در ارتباط فرد و نیز جامعه به شکل متضاد نمود می‌یابد. آنان که مدافع منافع جمعی هستند در رویارویی با جامعه منفعت طلب، فرجام خوشایندی نخواهند داشت. رسول با رسالت پیامبرگونه‌اش دچار بیش‌ترین مصائب و دردها می‌شود و در نهایت مرگ او رقم می‌خورد (فصیح، ۱۳۷۲: ۱۶۳). همچنین فرشته نمادی از روشنگری در جامعه ظلمانی است که او نیز همانند رسول قربانی ساختارهای اجتماعی می‌شود (همان: ۲۳۰).

نتیجه بحث

رمان «چشم‌هایش» نمایی از تداخل و آمیزش سنت و تجدد ترسیم می‌کند. به این معنا که از یک سو ما در جهان رمان شاهد نمود فردیت هستیم. از سوی دیگر «من اجتماعی» به مثابه واقعیت‌های ساختی و فرهنگی مؤثر بر فرد سلطه دارد و «خود» بر اساس «من اجتماعی» کنشگری می‌کند. با توجه به تبیین هم‌فراخوانی «من» و «من اجتماعی» در رمان، «خود» در دو واقعیت جامعه سنتی و مدرن نمایان می‌شود. «خود» در رمان «دل کور» دارای ویژگی محافظه‌کاری و انفعال در کنش است و در برابر مناسبات اجتماعی «خودی» منفعل است. شخصیت‌ها در رمان از قوانین و ساز و کار ساختار اجتماعی پیروی می‌کنند.

در جهان رمان «چشم‌هایش» «خود» با تحصیل، هنر و مبارزه معنا می‌یابد. منافع جمعی را بر منافع فردی ترجیح می‌دهند. «خود» روشنفکر در فرایند فعالیت سیاسی هویت می‌یابد. در جهان رمان «دل کور» افراد تحت تعین ساختارهای اجتماعی هستند

و مجبورند که «خود» را با ساختارهای اجتماعی منطبق کنند. در جامعه جهان رمان «دل کور»، منافع شخصی بر منافع جمعی ارجح است. افراد در جامعه در رویارویی با یکدیگر به عنوان «غیر» بازشناسی می‌شوند. در این صورت ناتوانی «خود جمعی» در پذیرش نقش‌های متعدد نشان داده می‌شود.

در رمان «چشم‌هایش» عاملیت کنشگران روشنفکر در رویارویی با دولت نمود می‌یابد. تضاد روشنفکر با وضعیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است که ریشه در نظام اقتدارگرای سیاسی دارد. این تضادها «خود» روشنفکر رمان را به کنشگری در برابر وضع موجود برمی‌انگیزد. در رمان «دل کور» ضدیت جمع در برابر فرد و فرد در برابر جمع ترسیم می‌شود و سوگیری کنش روشنفکران به سوی نظام اجتماعی است.

در رمان «چشم‌هایش» مهم‌ترین کنش کنشگران قشر پیشرو، ستیز برای آزادی اندیشه است. اما در قالب شکل‌های جمعی فعالیت می‌کنند و کنشگرانی هم‌گرا هستند؛ اما جریان روشنفکری در رویارویی با نظام اقتدارگرا تابی ندارد و در نهایت سرکوب می‌شود. نمود رابطه‌ای خصمانه در جامعه، میان فرد- فرد و نیز جامعه- فرد از ویژگی‌های جهان رمان «دل کور» است. در جامعه رمان «دل کور» که روشنفکران فهم و ادراک آنان ماهیتی دیگرگونه دارند و پیوند اجتماعی آنان در رابطه‌ای خصمانه با جامعه جای نمی‌گیرد. آنان در این فرایند قربانی می‌شوند و با تلخ‌ترین وقایع در جامعه نابود می‌شوند.

کتابنامه

- احمدی، بابک. ۱۳۸۷ش، کار روشنفکری، چ دوم، تهران: مرکز. آزاد ارمکی، تقی. ۱۳۷۶ش، نظریه‌های جامعه‌شناسی، تهران: سروش. بلومر، هربرت. ۱۳۸۸ش، کنش متقابل گرای نمادی، ترجمه حسین ابوالحسن تنهایی، تهران: نگاه اول. تنهایی، حسین ابوالحسن. ۱۳۹۳ش، درآمدی بر مکاتب و نظریه‌های جامعه‌شناسی، چ هفتم، تهران: نشر مرنديز و نشر بهمن برنا. تنهایی، حسین ابوالحسن. ۱۳۹۴ش، نظریه‌های جامعه‌شناسی، چ چهارم، تهران: نشر بهمن برنا و مرنديز. توسلی، غلامعباس. ۱۳۷۰ش، نظریه‌های جامعه‌شناسی، تهران: سمت. ریتزر، جورج. ۱۳۸۶ش، نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: علمی. سعید، ادوارد. ۱۳۸۹ش، نشانه‌های روشنفکران، ترجمه محمد افتخاری، تهران: آگاه. علوی، بزرگ. ۱۳۷۲ش، چشم‌هایش، تهران: انتشارات نگاه. فصیح، اسماعیل. ۱۳۷۲ش، دل کور به روایتی دیگر، تهران: نشر نو. ویستر، راجر. ۱۳۸۲ش، پیش درآمدی بر مطالعه نظریه ادبی، ترجمه الهه دهنوی، ویراستار حسین پاینده، تهران: روزنگار.

کتب انگلیسی

- Blumer, Symbolic Interactionism, N.J: Prentice-Hall Inc., 1969.
Lauer, R.H. and W.H.Handel Social Psychology: The Theory and Application of Symbolic Interactionism Boston: Houghton Mifflin, 1977 .

مقالات

- تنهایی، حسین ابوالحسن. ۱۳۷۸ش، «جایگاه نظریه هربرت بلومر در جامعه‌شناسی معرفت»، مجله دانشگاه اصفهان (علوم انسانی)، جلد ۱۰، شماره ۱ و ۲، صص ۳۹-۵۸.
صادقی، معصومه. ۱۳۹۷ش، «تحلیل تطبیقی اصالت بشر از دیدگاه مولانا با اندیشه‌های ژان پل سارتر»، فصلنامه مطالعات ادبیات تطبیقی، تابستان، شماره ۴۶، صص ۲۷۱-۲۵۳.
لویمی، سهیلا. ۱۳۹۸ش، «انسان‌گرایی فردوسی؛ احیای اندیشه ایرانشهری و پایان سکوت فرهنگ ایرانی»، فصلنامه مطالعات ادبیات تطبیقی، پاییز، شماره ۵۱، صص ۲۶۱-۲۸۲.
مهدوی، محمد صادق. ۱۳۷۶ش، «مقدمه‌ای بر مکتب کنش متقابل نمادی»، نشریه شناخت، شماره ۲۱، بهار و تابستان، صص ۶-۴۹.

Blumer, Herbert. (1969) 'The Methodological Position of Symbolic Interactionism' in Symbolic Interaction. Englewood Cliffs, N.J.: Prentice-Hall: 1-60.

Bibliography

- Ahmadi, Babak 2008, Intellectual Work, Tehran: Markaz Press.
Azad Armaki, Taqi. 1997, Theories of Sociology, Tehran: Soroush Press.
Blumer, Herbert. 2009, Symbolic Interactionism, translated by Hossein Abolhassan Tanhaei, Tehran: Negah e Avval Press.
Tanhaei, Hossein Abolhassan 2014, An Introduction to Sociological Schools and Theories, Tehran: Marandiz Publishing and Bahman Borna Publishing.
Tanhaei, Hossein Abolhassan, 2015, Theories of Sociology, Vol. IV, Tehran: Bahman Borna and Marandiz Publishing.
Tavassoli, Gholam Abbas 1991, Theories of Sociology, Tehran: SAMT Press.
Ritzer, George. 2007, Sociological Theory in Contemporary Times, translated by Mohsen Salaasi, Tehran: Elmi Press.
Saeed, Edward. 2010, Signs of Intellectuals, translated by Mohammad Eftekhari, Tehran: Agah.
Alavi, Bozorg. 1993, Her Eyes, Tehran: Negah Publications.
Fasih, Esmail. 1993, Blind Heart with Another Narration, Tehran: Nashr e No.
Webster, Roger. 2003, An Introduction to the Study of Literary Theory, translated by Elahe Dehnavi, edited by Hossein Payandeh, Tehran: Rooznegar.

English Books

- Blumer, Symbolic Interactionism, N.J: Prentice-Hall Inc., 1969.
Lauer, R.H. and W.H. Handel Social Psychology: The Theory and Application of Symbolic Interactionism Boston: Houghton Mifflin, 1977 .

Articles

- Tanhaei, Hossein Abolhassan 1999, "The place of Herbert Blumer theory in the sociology of knowledge", Journal of the University of Isfahan (Humanities), Volume 10, Number 1 and 2, pp. 39-58
Sadeghi, Masoumeh. 2018, "Comparative Analysis of Human Originality from Rumi's Perspective with the Thoughts of Jean-Paul Sartre", Quarterly Journal of Comparative Literature Studies, Summer, No. 46, pp. 253-271.
Luyemi, Soheila. 2019, "Ferdowsi Humanism; Revival of Iranshahri Thought and the End of the Silence of Iranian Culture ", Quarterly Journal of Comparative Literature Studies, Autumn, No. 51, pp. 261-282.
Mahdavi, Mohammad Sadegh 1997, "Introduction to the School of Symbolic Interactionism", Journal of Cognition, No. 21, Spring and Summer, pp. 6-49.
Blumer, Herbert. (1969) 'The Methodological Position of Symbolic Interactionism' in Symbolic Interaction. Englewood Cliffs, N.J.: Prentice-Hall: 1-60.

Comparative Literature Studies, Fifteenth Year, No. 60, Winter 1400; pp.9-34

**The Intellectual Proactive Approach in "Her Eyes" and "Blind Heart"
Based on the Symbolic Interactionism Theory**

Receiving Date: 24 March,2020

Acceptance Date: 15 July,2020

Morteza Hadian: Faculty of Persian Language & Literature, Islamic Azad University, South Tehran Branch

M_hadeyan@yahoo.com

Mansoureh Sabet Zadeh: Assistant Professor, Faculty of Persian Language & Literature, Islamic Azad University, South Tehran Branch

yasatash@yahoo.com

Hossein Abolhassan Tanhaei: Associate Professor, Faculty of Social Sciences, Islamic Azad University, South Tehran Branch

Ha.tanhaei@iauctb.ac.ir

Corresponding author: Mansoureh Sabet Zadeh

Abstract

Norms are in the position of power and seek victory, and make human to obey by creating domination over thought. The intellectual knows how to stand against bad norms and strive to achieve the desired intellectual conditions. In Herbert Blumer's "symbolic interactionism" methodology, human arises in the empirical world of society. In this sociological approach, the intellectual is a proactive whose action is based on interpretation in socio-political situations and whose role is defined in defending or rejecting norms. The "Her Eyes" novel shows a picture of the first Pahlavi's history in which the "social self" is a combination of traditionalist and modern self. Group interests take precedence over individual's. An intellectual is a modernist who is proactive in the struggle against the authoritarian political system. The "Blind Heart" novel narrates the first and second Pahlavi's era. The "social self" in the mentioned novel is the passive and violent "self." In the world of novels, individual interests take precedence over social's. The intellectual acts based on of kindness and peace confronting "social self".

Keywords: Intellectualism, novel, proactivism, symbolic Interactionism, Herbert Blumer.